

اللَّهُ أَحْمَدُ



# اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی هرمزگان

واحد پژوهش های اتاق هرمزگان

عنوان پژوهش: بحران مالی و اثرات منفی بر شاخص های کلان اقتصادی



## ❖ مقدمه

با توجه به بحران‌های مالی متعدد از جمله بحران ۲۰۰۸ که در جهان رخ داد از کشورهای دارای اقتصاد بزرگ شروع و پس لرزه‌های آن به سایر کشورها از جمله کشورهای دارای ثبات مالی کمتر سرایت کرد. محققان اقتصادی در تلاشند تا سیاست‌هایی را ارائه دهند تا بحران‌های مالی بهینه مدیریت گردد.

با توجه به نوسانات نرخ ارز در ایران و عدم ثبات مالی حاصل از آن ایران نیز از بحران مالی ۲۰۰۸ علی‌رغم تحریم‌ها در امان نماند. ارتباط ایران با بازار نفت از طریق صادرات باعث گردید تحت تأثیر این بحران قرار گیرد.

سیستم‌های مالی نقش کلیدی در بسیج و تخصیص پس‌انداز برای اهداف تولیدی دارند. نظام‌های پولی و مالی محرکه‌های اقتصادی هستند که در صورت توسعه بیشتر رشد اقتصادی بیشتری فراهم می‌نمایند با توجه به حرکت بازارهای مالی جهان به سمت یکپارچگی ارتباطات تنگاتنگ مالی و اقتصادی که میان کشورها وجود دارد. هرگونه تغییر در نظام مالی و اقتصادی، وضعیت اقتصادی سایر کشورها را نیز متأثر می‌گرداند و مطالعات نشان داده که بحران‌های اقتصادی بر فعالیت‌های اقتصادی کشورها تأثیرگذار است. این بحران‌ها سبب رکود اقتصادی می‌گردند و هزینه‌های هنگفتی را به همراه دارند. با وقوع بحران مالی اقتصاد کشورهایی که فاقد توسعه مالی بودند یا از عمق مالی کمتری برخوردار بودند؛ نیز بیشتر دچار مشکل شدند.

## ❖ دیدگاه

نوسان در قیمت نفت و کاهش آن پس از بحران مالی اثرات منفی بر شاخص‌های کلان اقتصادی ایران بر جا گذاشت در تحلیل اثر بحران مالی در ایران این گونه بیان می‌گردد که با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی با بروز بحران مالی و کاهش در قیمت نفت درآمدهای ارزی دولت کاهش می‌یابد. در پی کاهش درآمدهای دولت تزریق منابع به واحدهای تولیدی کاهش یافته و در نتیجه تولید کالا کاهش می‌یابد کاهش در درآمد عوامل تولیدی و خانوار باعث کاهش در پس‌اندازها از یک سو و از سوی دیگر افزایش تورم منجر می‌گردد هرچند به دلیل رکود جهانی باعث کاهش قیمت تمام شده در کالاهای وارداتی می‌گردد اما به دلیل عدم تناسب



در میزان کاهش قیمت کالاهای وارداتی و کاهش درآمدهای ارزی باعث بروز تورم وارداتی می‌گردد. وابستگی صنایع تولیدی داخلی به واردات مواد اولیه و تجهیزات منجر به کاهش تولید به دلیل کاهش درآمد ارزی جهت واردات و تنظیم بازار داخلی با توجه به وابستگی صنایع تولیدی به مواد اولیه و (تجهیزات و افزایش عمومی در سطح قیمت‌ها و نتیجتاً تورم می‌گردد در این حالت رکود اقتصادی افزایش می‌یابد. همچنین اثر عمومی بحران مالی بر بازار پول این گونه تحلیل می‌گردد که بحران مالی ضمن تأثیر بر صنایع داخلی باعث کاهش تولیدات داخلی می‌گردد؛ که ناشی از بحران نقدینگی است افزایش مطالبات معوق بانک‌ها و عدم موفقیت در بازگشت تسهیلات اعطایی باعث می‌گردد درآمد بانک‌ها و در نتیجه نقدینگی کاهش یابد بانک مرکزی با اعمال سیاست انقباضی باعث ایجاد مشکلاتی جهت نظام بانکی و ناتوانی در پاسخ به وام گیرندگان سایر بخش‌ها از جمله بخش خدمات و صنعت را فراهم می‌آورد از سوی دیگر بحران باعث می‌گردد که رکود به وجود آمده در بخش صنعت اقدام به کاهش هزینه‌های متغیر نموده که ابتدا دستمزد کاهش یافته و سپس وضعیت بی‌ثبات در بازار کار و اشتغال فراهم آید. در نتیجه بیکاری افزایش می‌یابد بحران‌های مالی رکود اقتصادی را بدتر می‌کنند لذا اهمیت توجه به بخش‌های مالی کشورها خصوصاً کشورهای که فاقد توسعه مالی بودند، ملموس گردید با بروز بحران ۲۰۰۸ ایران نیز به دلیل ارتباطی که از طریق بازار نفت با سایر کشورها داشت از یک سو و از طرف دیگر به دلیل شرایط بخش مالی که داشت، از این بحران در امان نماند.

صنعت ایران به تبع اقتصاد کلان کشور دچار نقاط ضعف زیر است:

۱. خرد بودن اقتصاد و کوچک بودن واحدهای تولیدی و تجاری
۲. نداشتن استراتژی‌های بلند مدت
۳. فقدان حکمرانی منسجم مطلوب و پراکندگی، از هم گسیختگی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری
۴. عدم شفافیت اطلاعات و آمار و فقدان نظام آماری قابل اتکا
۵. نبود صندوق سرمایه‌گذاری و ساختار بنیادین تامین مالی (به میزان کافی با نرخ مطلوب در زمان مناسب)
۶. نداشتن انسجام و وحدت در بخش خصوصی و عدم تمایل به کار جمعی برای برندسازی و حضور یکپارچه در بازارهای جهانی



## ❖ پیشنهادات و نتیجه گیری

تعمیق مالی به عنوان یکی از راههای توسعه، مالی ضمن تخصیص بهینه منابع، جذب سرمایه گذاری خارجی به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش و رشد اقتصادی تأثیر دارد. در واقع، تعمیق مالی راهبردی است که می تواند توسعه اقتصادی را با توسعه بازارهای مالی تسریع نماید اهداف سیاست های تقاضا شامل ثبات قیمت ها، تولید حفظ اشتغال در سطح اشتغال کامل می باشد که از عمده ترین اهداف اقتصاد در سطح کلان است یکی از چالش ها در ایران را تسلط سیاست های مالی بر سیاست های پولی بانک مرکزی می دانند. همانطور که سیاست پولی می تواند بر بازارهای مالی و رفتار مؤسسات مؤثر باشد بدیهی است که اندازه و عمق بخش مالی نیز بر عملکرد سیاست پولی نیز اثر می گذارد. بازارهای مالی شامل بازار سرمایه و بازار پول می باشد در بازار پول داد و ستد پول و دیگر دارایی های مالی جانشین نزدیک پول رخ می دهد که سررسید آن کمتر از یک سال است بازار پول به عنوان بازار و ابزارهای مالی کوتاه مدت با ویژگی هایی چون کم بودن ریسک عدم پرداخت نقد شوندگی بالا ارزش اسمی بالا را شامل می شود. در اجرای سیاست های پولی و مدیریت بازار پول بانک مرکزی به صورت مستقیم (قدرت تنظیم کنندگی) و غیرمستقیم انتشار دهنده پول پر قدرت تأثیر می گذارد. در ادبیات نظری شاخص نسبت پول به GDP با عمق مالی همراه است به این دلیل که پول نقد در دسترس برای تداوم رشد اقتصادی فرصت های بیشتری فراهم می آورد واقع این شاخص درجه پولی شدن اقتصاد را اندازه گیری می کند. بررسی اثر عمق مالی بر مدیریت بازار پول دارای اهمیت است زیرا حجم نقدینگی در یک اقتصاد باید با سیاست پولی مدیریت گردیده و متناسب با میزان تولید کالا و خدمات باشد. در غیر این صورت باعث رکود یا تورم در تولید خواهد شد. در سیستم های مالی کم عمق در کشورهای که اقتصاد در حال توسعه و درآمد پایین دارند، باعث می شود خانوارها شرکت ها و دولت ابزار کافی برای مقابله با شوک ها حوادث پیش بینی نشده و نوسان های درآمدی را در اختیار نداشته و بیشتر تحت تأثیر شوک های وارده قرار می گیرند در چنین شرایطی متغیرهای کلان اقتصادی و از جمله رشد اقتصادی چنین کشورهایی با بحران بیشتری مواجه خواهند شد. یکی از اهداف مهم و اساسی هر کشور رسیدن به رشد اقتصادی بالا و باثبات و بدون نوسان می باشد.



در صورت وجود عمق مالی و بازارهای مالی توسعه یافته به صورت کارا تر می‌تواند بین پس انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران ارتباط برقرار کرد و باعث کاهش در محدودیت وام دهی و افزایش در ریسک از طریق تنوع دارایی گردید بدین ترتیب از این طریق باعث می‌شود که اقتصادی که با شوک و بحران مواجه می‌شود راحت تر با آن مقابله نماید و با افزایش توانایی در جذب شوک وارده بهتر و بیشتر عمل کرد با توجه به نوسانات بالایی که در تولید و نرخ تورم در پنجاه سال اخیر در اقتصاد ایران مشهود است همچنین همواره ایران با معضل نرخ بیکاری دو رقمی روبرو بوده است و به عنوان یکی از چالش‌های اقتصاد ایران به شمار می‌رود.

بروز بحران‌های مالی همواره مشکلاتی را در اقتصاد کشورهای جهان به وجود آورده است. بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ که به بزرگترین بحران مالی جهان و بدترین بحران پس از بحران ۱۹۳۰ معروف است، از آمریکا شروع شد و به صورت زلزله‌ای مالی به سایر کشورها سرایت کرد. این بحران بخش واقعی اقتصاد سایر کشورها را تحت تأثیر قرار داد به طوری که به بحران جهانی تبدیل شد. بدین ترتیب کشورهایی که ارتباط مالی بیشتری با آمریکا و اقتصاد جهانی داشتند بیشتر آسیب دیدند. اولین مرحله این بحران به شکل بحران نقدینگی آشکار شد. چیزی که مدیران در زمان بحران نیاز دارند اقدام از پیش تعیین شده نیست بلکه باید نگاهی به آینده داشته باشند. مدیریت بحران توسط دولت‌ها و بانک‌های مرکزی با اقداماتی نظیر مدیریت گسترش سیاست‌های پولی کمک‌های مالی با محرک‌های مالی و همچنین اجرای سیاست پولی و مالی به همراه مدیریت و نظارت که توانست در کاهش اثرات شوک حاصل از بحران مؤثر باشد؛ صورت گرفت. در اجرای سیاست پولی در بازار پول بانک‌های مرکزی با اجرای عملیات بازار باز نیاز اقتصاد به پول را تأمین می‌نمایند. در این حالت بانک مرکزی ضمن محاسبه نقدینگی موردنیاز اقتصاد اقدام به خرید اوراق مالی دولت می‌کند که نیاز به انتشار پول از سوی بانک مرکزی دارد و موجب رشد پایه پولی می‌گردد در چنین شرایطی به نظر می‌رسد برای مدیریت بحران‌های مالی سیاست‌گذاران باید به دنبال راهی باشند تا اقتصاد را از آسیب بحران‌های مالی در امان نگاه دارند. حفظ ثبات اقتصاد همواره به عنوان یکی از مهمترین مباحث مورد توجه اقتصاددانان بوده است. بحث‌های نتایج نشان داد که عمق مالی بر روی مدیریت بازار پول و



متغیرهای کلان اقتصادی مؤثر است. با توجه به این که اقتصاد ایران یک اقتصاد وابسته به درآمد نفتی است و درآمد نفتی روی همه‌ی متغیرهای اقتصادی اثر گذار است لذا اثر آن از سایر شوک‌ها بیشتر است. توجه به بخش تولید همچنین جانشینی تولیدات داخلی بجای واردات به دلیل وابستگی صنایع داخلی به مواد اولیه و تجهیزات وارداتی) می‌تواند از اثرات نوسانات نرخ ارز جلوگیری نماید و باعث حفظ ثبات شاخص‌های کلان اقتصادی گردد با توجه به این که عمق مالی به عنوان یکی از ابزارهای توسعه مالی می‌تواند در حفظ ثبات اقتصادی نقش داشته باشد؛ شایسته است تا سیاست‌گذاران اقتصادی نسبت به تبیین سیاست‌های مناسب پردازند همچنین قیمت نفت مهم‌ترین مسیری است که از بحران اقتصادی جهان تأثیر می‌پذیرد؛ شایسته است که مدیران و سیاست‌گذاران اقتصادی توجه بیشتری به تأمین مالی بودجه کشور نمایند. به دلیل تبعات منفی ناشی از شوک نفت بر متغیرهای کلان اقتصادی و مدیریت بازار پول منابع مالی از درآمدهای مالیاتی تأمین گردد. همچنین دولت دسترسی محدودی به حساب ذخیره ارزی داشته باشد.